

خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵؛ ۵۳: ۱-۱۲

ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵

۱۳ خداوند می فرماید: «بنده من در کار خود موفق و سر بلند می شود و بسیار ترقی می کند. ۱۴ بسیاری از مردم وقتی او را ببینند، متعجب می شوند، زیرا چهره او آنقدر تغییر کرده است که به انسان نمی ماند. ۱۵ پادشاهان جهان دهان خود را می بندند، زیرا چیزهایی را می بینند که هرگز برای شان بیان نشده و چیزهایی را می فهمند که قبلاً نشنیده بودند.»

خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۳: ۱-۱۲

۱ اما چه کسی این حقیقت را باور می کند؟ به چه کسی خداوند این حقیقت را آشکار ساخته است. ۲ خداوند مقدر کرده بود که بنده اش مانند نهالی در زمین خشک بروید و ریشه بدانند. او از جمال و زیبایی بهره ای نداشت که توجه ما را بخود جلب کند و مشتاق او باشیم. ۳ پیش مردم خوار بود و او را رد کردند، اما او همه رنج و درد را متحمل شد. هیچ کسی نمی خواست به روی او نگاه کند. همه او را فقیر می شمردند و ارزشی برایش قایل نبودند. ۴ او غمهای ما را به جان خود گرفت و دردهای ما را بر دوش خود حمل کرد. ولی ما فکر می کردیم درد و رنج او جزائی است که از جانب خدا بر او نازل شده است. ۵ او در حقیقت بخاطر گناه و خطای ما زده و زخمی شد. او جزا دید تا ما سلامتی داشته باشیم و از زخمهایی او ما شفا یافتیم. ۶ ما همه مثل گوسفندان سرگردان، گمراه شده و به راه خود روان بودیم، اما خداوند گناه همه ما را بگردن او نهاد. ۷ بر او ظلم شد، اما با فروتنی تحمل کرد و از زبانش حرف شکایت شنیده نشد. مثل بره ای او را به کشتارگاه بردند. او مانند گوسفندی که پیش پشم چین خاموش می ایستد، دهان خود را باز نکرد. ۸ او دستگیر، زندانی و محکوم به مرگ شد. او را بخاطر گناهان مردم کشتند و وقتیکه کشته شد، هیچ کسی اعتنائی نکرد. ۹ او را با گناهکاران به خاک سپردند و با ثروتمندان دفن شد، هر چند او به کسی ظلم نکرده و هیچ حرف دروغ از زبانش شنیده نشده بود. ۱۰ اما خواست خداوند بود که او درد و رنج بکشد و قربانی گردد تا گناهان دیگران بخشیده شود. به این ترتیب، صاحب فرزندان زیاد شده عمر طولانی می یابد و بوسیله او مرام خداوند حاصل می گردد. ۱۱ وقتی ببیند رنج و عذابی که کشیده است چه ثمری بار آورده است، خوشنود و راضی می شود. بنده عادل من گناهان بسیاری را به گردن می گیرد و من بخاطر او آن ها را می بخشم.

۱۲ بنابران، من او را به مقام افتخار نایل می‌کنم و با اشخاص بزرگ همنشینش می‌سازم، زیرا او جان خود را فدا کرد، در جمله گناهکاران بشمار رفت، گناه مردم را به گردن گرفت و شفاعت خواه خطاکاران شد.

پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می‌بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.